

رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جرایم منافی عفت

مهدی شیدائیان*
زینب شیدائیان**

چکیده

بیشتر جرایم منافی عفت به صورت پنهانی ارتکاب می‌یابند. افشای جرایم مذکور به دلیل پیوند آنها با آبروی شهروندان آثار مخربی بر مرتکب و جامعه باقی می‌گذارد. از این رو اگرچه از منظر اسلام، اعمال منافی عفت مورد نکوهش است، اما سیاست جنایی اسلام نسبت به این جرایم مبتنی بر چشم‌پوشی و عدم تجسس در حریم خصوصی شهروندان است. اجرای این سیاست از افشای غیرضروری، قبح‌زدایی، عادی‌سازی و در نهایت رواج آنها پیشگیری می‌نماید. لذا قانون‌گذار در جهت همگرایی با سیاست جنایی اسلام، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق این جرایم را اعلام و آن را صرفاً در موارد استثنایی تجویز نموده است. مواردی که مصلحت موجود در تعقیب و تحقیق بیشتر از مصلحت بزه‌پوشی باشد و البته آن را از جهاتی مقید به شرایطی نموده است. این محدودیت‌ها از جهات مختلف از جمله استثنائات اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق، مرجع تعقیب و تحقیق در مستثنیات، میزان اختیارات قاضی و ... وارد گردیده است. نوشتار حاضر به تبیین، توجیه و نقد رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحات آن در جرایم منافی عفت می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: جرایم منافی عفت، تعقیب، تحقیق، بزه‌پوشی، سیاست جنایی اسلام.

M_sheidaian@ut.ac.ir

Z.sheidai@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۱۸

* عضو هیأت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۱۶

مقدمه

بی‌تردید در میان انواع مختلف جرایم، جرایم منافی عفت به لحاظ آثار خاص و تبعات زیان‌بار حیثیتی و اجتماعی که در پی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظام‌های کیفری در جرم‌انگاری و چگونگی واکنش نسبت به اعمالی که با عفت، عرض و آبروی اشخاص مرتبط است، معمولاً توجه و حساسیت بیشتری نشان داده و روشی متفاوت با سایر جرایم را در پیش می‌گیرند. نظام کیفری اسلام با اتخاذ سیاست «بزه‌پوشی» در این دسته از جرایم در صدد جلوگیری از دخالت و تجسس حکومت بر آمده است، زیرا اثبات این جرایم، موجب علنی شدن جرم و ترویج فحشا می‌گردد. تأکید مقررات اسلام بر پرده‌پوشی مفسد جنسی و جلوگیری از انتشار آن دسته از اعمال خلاف که پنهانی صورت می‌گیرد، شیوه‌ای است متناسب با قانون طبیعت که طرفدار رعایت حجب و حیاست.^۱ از منظر اسلام، اعمال منافی عفت رفتارهایی مخالف با ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی است و ارزش‌های اخلاقی تا درونی و نهادینه نگردند، هرگز مورد پذیرش و اجرا قرار نخواهند گرفت. واکنش رسمی به این جرایم نه تنها یگانه عامل مبارزه با آنها محسوب نمی‌گردد، بلکه اصولاً عکس‌العمل اساسی و بنیادین هم به شمار نمی‌آید.^۲ بحث در خصوص نحوه واکنش نسبت به جرایم منافی عفت از آن رو که با مبحث مهم دخالت حاکمیت در حوزه رفتار خصوصی افراد ارتباط دارد از اهمیت دوچندانی برخوردار است. در حقیقت به این دلیل که بسیاری از جرایم جنسی به طور پنهانی انجام می‌گیرد، تلاش برای کشف و اثبات با کنکاش و جست‌وجو در امور شهروندان ارتباط پیدا می‌کند؛ در حالی که شهروندان معمولاً مایل نیستند که حاکمیت در حوزه امور شخصی و پنهان آنها دخالت کند.^۳ همچنین توجه به این نکته مهم است که کرامت، شرافت و شأن انسانی از فطری‌ترین نیازها و از مهم‌ترین حقوق اساسی بشر است که با علنی شدن جرایم منافی عفت، این بدیهی‌ترین حقوق نقض می‌گردند. با وجود این، چنانچه در آشکار و علنی شدن جرایم منافی عفت به دلالت عقل و شرع مصلحتی بزرگ‌تر از مصلحت بزه‌پوشی و حفظ کرامت و حیثیت انسانی باشد، بدون شک باید برابر مصلحت اقوی اقدام گردد.

قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، با ایجاد سازوکار «ممنوعیت تعقیب و تحقیق» در جرایم منافی عفت، بر بزه‌پوشی تصریح و تأکید نموده

۱. نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی: چشم‌اندازی اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۰.

۲. صادقی، محمدهادی، «بزه‌پوشی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۸ و ۲۹، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۷.

۳. نوبهار، رحیم، «اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام»، نامه مفید، شماره ۲۳، ۱۳۷۹، ص. ۱.

و گامی بلند در راستای حفظ و رعایت حریم خصوصی شهروندان برداشته که همسو با سیاست جنایی اسلام است. این رویکرد مترقی اسلام اگرچه در قوانین سابق نیز تا اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفته بود اما در قانون جدید با تغییرات گسترده و مثبتی همراه گردیده است. بنابراین شایسته است که رویکرد نوین قانون آیین دادرسی کیفری مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گرفته و پاسخ داده شود که قانون مورد بحث چه تحولاتی در رویکرد قوانین سابق نسبت به تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ایجاد نموده و این تغییرات چگونه ارزیابی می‌شوند.

سیر مطالب نوشتار پیش رو به این گونه است که ابتدا مفهوم جرم منافی عفت (۱)، رویکرد سیاست جنایی اسلام به جرایم منافی عفت (۲) و رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جرایم منافی عفت (۳) مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. مفهوم جرم منافی عفت

قانون‌گذار هیچ‌گاه تعریفی از جرایم منافی عفت ارائه نکرده، بلکه صرفاً به احصای مصادیق آن پرداخته است و حتی در برخی موارد احصاء مقنن حصری نبوده، بلکه تمثیلی می‌باشد.^۱ به نظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار از عبارت «جرم منافی عفت»، عبارت است از «هرگونه رفتار جنسی خارج از محدوده نکاح میان دو یا چند فرد که ناشی از غریزه جنسی باشد، خواه این التذاذ جنسی برای هر دو یا برای یکی از دو طرف باشد.» رفتار مذکور برخلاف عرف معمول بوده و اکثریت مردم با انجام آن عمل همگامی ندارند.^۲ ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ قبل از اصلاح، مؤید این تعریف بود زیرا بیان می‌داشت: «انجام هر گونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت ممنوع است...» و همچنین در ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان می‌شود: «... روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل و مضاجعه...» همچنین قانون‌گذار با بیان تبصره ماده ۳۰۶ اصلاحی به تعیین برخی مصادیق جرایم منافی عفت پرداخته است: «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است.» با توجه به این مواد، قانون‌گذار برای روشن نمودن مرادش از عمل منافی عفت به مثال‌های زنا، لواط، جرایم جنسی حدی، تقبیل و مضاجعه اشاره نموده و با واژگان «از قبیل»، «سایر جرایم» و «مانند» دست‌مقام

۱. مانند ماده ۶۳۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی: «هر گاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.»
 ۲. انصاری، مسعود، روانشناسی جرایم و انحرافات جنسی، تهران، انتشارات اشرافی، ۱۳۷۱، ص. ۴۱.

قضایی را در تعیین دیگر مصادیق جرم منافی عفت باز گذارده است. اما این اختیار بی حد و اندازه نیست بلکه لازم است مصادیقی که از آنها نام برده نشده است، با معیارها و ویژگی‌های مصادیق مذکور مطابقت داشته و هم‌سنخ آنها باشد.

جرایم فوق‌الذکر جرایمی هستند که در آنها رفتار جسمی و فیزیکی وجود داشته که ناشی از غریزه و التذاذ جنسی است. بنابراین یک عمل مادی است و نه صرف لفظ^۱ و این رفتارها محدود به روابط مرد با زن یا بالعکس نیست. به عبارت دیگر، اختلاف جنسیت در جرایم منافی عفت شرط نیست. البته مجدداً تأکید می‌گردد که رفتارهای جسمی و جنسی ناشی از رابطه مشروع نکاح، از تعریف جرم منافی عفت خارج است.^۲ نکته قابل توجه آن است که محدوده جرایم منافی عفت با تعریفی که ارائه گردید متفاوت از جرایمی است که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌نماید^۳ و مورد نظر این مقاله همان تعریف پیش گفته است.

۲. رویکرد سیاست جنایی اسلام به جرایم منافی عفت

از آنجا که مقررات مربوط به جرایم منافی عفت در قانون آیین دادرسی کیفری براساس سیاست جنایی اسلام تدوین گردیده است، قبل از ورود به تحلیل رویکرد قانون به اختصار سیاست جنایی اسلام نسبت به این موضوع تبیین می‌گردد. سیاست «ستر عیوب»، «منع تجسس» و «بزه‌پوشی» در اسلام یک سیاست کلی و عام دانسته شده و پوشاندن خطای خود و سایر مؤمنان در جای‌جای آموزه‌های دینی توصیه شده، اما به‌طور ویژه‌ای در کتاب و سنت بر بزه‌پوشی جرایم منافی عفت حساسیت نشان داده شده است و از سوی دیگر در زمینه کشف، تعقیب، تحقیق و اثبات این جرایم تلاش چندانی به چشم نمی‌خورد. در قرآن کریم آیات فراوانی حکایت از این سیاست دارد؛ از قبیل: «همانا کسانی که دوست می‌دارند در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد، آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» (نور، ۱۹). افشای جرایم دیگران از مصادیق ترویج و اشاعه فساد است. از این جهت این امر ممنوع شده است؛ زیرا فرد با تجسس و متهم ساختن دیگران در واقع کژی‌ها را شهرت داده است و این از اموری است که به شدت تقبیح و مرتکبان آن به رنجی دردناک تهدید

۱. قدسی، سیدابراهیم؛ پورزرین، علی، «نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۵.

۲. محمدی جورکویه، علی، «سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی»، حقوق اسلامی، شماره ۲۴، ۱۳۸۹، ص. ۴؛ رزم‌ساز، بابک، روش‌های پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجد، ۱۳۹۳، ص. ۵۰؛ بابالویی، محمود، مجموعه قانون تعزیرات در نظم حقوقی کنونی، تهران، مجد، ۱۳۹۳، ص. ۴۹۳.

۳. ماده ۶۳۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی.

شده‌اند.^۱ در آیه دیگری سوءظن نسبت به دیگران و پرس و جو از نهانی‌های مردم مورد نهی شدید قرار گرفته است. «ای ایمان‌آوردگان از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که برخی از آنها گناه است و تجسس و کاوش نکنید...» (حجرات، ۱۲). نهی از تجسس را می‌توان به معنای ممنوعیت پیگیری و کشف لغزش‌های مردم دانست، چرا که تجسس به معنای پیگیری و تفحص از امور مردم است، اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند.

در اخبار و روایات متعدد نیز مضمون سیاست ستر عیوب و بزه‌پوشی از خود و دیگران در جامعه اسلامی آمده است و معصومین (ع) اقرار به گناه حتی در نزد امام و نیز تشویق دیگران به اقرار را نکوهش کرده‌اند و در عمل نیز از استماع اقرار اعراض می‌نموده‌اند. در مرفوعه^۲ احمد آمده است: «بسیار قبیح است که شخصی فحشایی را مرتکب شود، سپس با افشای آن، خود را در میان مردم بی‌آبرو نماید، چرا چنین شخصی توبه نمی‌کند؟ به خدا قسم توبه او بین خود و خدایش برتر از اقامه حد از سوی من بر اوست».^۳ طبق این روایت، پرده‌پوشی موجب آن می‌گردد که قبیح ذاتی فحشا محفوظ بماند و افراد مرتکب، فرصت یابند تا با تفکر، به زشتی عمل خود پی ببرند و عزم توبه و اصلاح خویش نمایند. در خبر اصبح آمده که مردی نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمد و اقرار کرد: «من زنا کرده‌ام پاکم کن!» پس امام از او روی گرداند سپس فرمود: «بنشین!» و رو به جماعت کرد و فرمود: «چرا شخصی که مرتکب این سیئه شده است، عاجز از پوشاندن آن است؛ آن‌گونه که خداوند آن را پوشانده است؟»^۴ و به هزال در داستان ماعز فرمود: «اگر آن را با لباس می‌پوشاندی برای تو بهتر بود»^۵ و به خود ماعز فرمود: «شاید بوسیده‌ای یا در آغوش گرفته‌ای یا نظر انداخته‌ای.»^۶ امام با این بیان می‌خواهد او را ترغیب به عدم اقرار نماید و در خبر ابی العباس آمده است: «اگر بیوشاند سپس توبه نماید برای او بهتر است».^۷ حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «اگر تو در صدد پی‌جویی و کشف اسرار و یا لغزش‌های مردم باشی در این صورت آنان را به فساد کشانیده و یا به آن نزدیک ساخته‌ای».^۸ البته این سیاست عمومی مصون از

۱. صادقی، محمدادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳، ص. ۱۶۰.

۲. به روایتی که بخشی از سلسله سند آن حذف شده است، مرفوعه می‌گویند.

۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق، ص. ۳۰۷.

۴. عاملی، حمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ص. ۳۸.

۵. نجفی، محمدحسن، منبع پیشین، ص. ۳۰۷.

۶. همان، ص. ۲۹۵.

۷. عاملی، حمد بن حسن، منبع پیشین، ص. ۳۲۸.

۸. بیهقی، ابی‌بکر احمد بن حسین بن علی، سنن بیهقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۴۴ ق، ص. ۳۳۳.

تخصیص نبوده و در مواردی که ستر موجب مفسده‌ای باشد، اقامه کیفر امری واجب شمرده شده است. «ترک تعقیب و پوشاندن گناه دیگران مستحب است همان‌گونه که پوشاندن گناه خویش و توبه از آن مستحب است مگر آنکه پوشاندن، فسادی در بر داشته باشد که در آن صورت گاهی تعقیب و پیگیری واجب است»^۱ اما همین امر نیز به موارد مشخصی اختصاص یافته است، که ذیلاً بیان می‌شود.

۱-۲. جرایم علنی

در روایات از جرایم علنی با واژه «تجاهر» یاد شده است. مراد از تجاهر، ارتکاب رفتار در انظار مردم است و جهر نزد دوستان و هم‌گروهی‌های مجرم نشانگر تجاهر وی نخواهد بود. در شریعت مقدس اسلام، نسبت به اثبات ارتکاب جرایم منافی عفت مقررات سختی وضع گردیده تا اثبات آنها به سهولت صورت نگیرد. برای مثال برای اثبات جرایم منافی عفت، چهار گواه لازم دانسته شده است. صاحب جواهر می‌فرماید: «گاه گفته می‌شود حکمت ثبوت زنا با چهار گواه این است که شارع می‌خواهد تا آنجا که ممکن است این گونه کارها مستور و پوشیده باشد و افراد به آسانی هتک نشوند»^۲. پوشاندن جرم تا جایی شایسته است که جرم خود پنهانی و در خفا رخ داده باشد. به همین جهت شیخ طوسی می‌فرماید: «هنگامی که گناه آشکار و ظاهر است؛ فایده‌ای در ترک تعقیب آن نیست»^۳ آثار سوء حاصل از انتشار جرم و نیز ضرورت واکنش مناسب با آن و هماهنگی با انتظارات عمومی - که ناشی از شیوع بزه‌کاری در جامعه است - تمایل به بزه‌پوشی و امکان آن را منتفی می‌سازد، زیرا اصرار بر عدم تعقیب جزایی در این موارد چه بسا احتمال قضاوت ناخوشایندی را در پی داشته باشد که بر مبنای آن مجرمان، جدیت دستگاه عدالت جزایی را در مبارزه با بزه‌کاری مورد تردید قرار دهند و این قضاوت و برداشت نامناسب زمینه تخریب بیشتر تبهکاران را فراهم سازد.^۴

امام علی (ع) در خلال سفارش‌های خود به مالک می‌فرماید: «گناهی را که از تو پوشیده است برملا نساز؛ زیرا وظیفه تو تطهیر گناهی است که بر تو آشکار گردیده است و خداوند بر آنچه از تو پنهان است تو را محاکمه خواهد کرد. پس گناه دیگری را

۱. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق، ص. ۴۳۳.

۲. نجفی، محمدحسن، منبع پیشین، ص. ۱۵۵.

۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق، ص. ۱۷۸.

۴. صادقی، محمدهادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، منبع پیشین، ص. ۱۷۰.

تا می‌توانی بپوشان»^۱. در این دستورالعمل محدودیت دستگاه عدالت جزایی در جریان تعقیب و تحقیق جرایم به روشنی مشخص شده است.

۲-۲. حمایت از بزه‌دیده

انحصار بزه‌پوشی به حقوق‌الله و عدم جواز ستر در حقوق‌الناس امری اتفاقی میان فقها است. به عبارت دیگر چنانچه پای حق دیگری در میان باشد نه تنها نسبت به آن چشم‌پوشی و مسامحه روا نیست بلکه قاضی موظف به کشف حقیقت و دفاع از حقوق خصوصی افراد است. ضرورت تأمین حقوق بزه‌دیده و ترمیم خسارات و زیان‌های او در حقوق اسلام مورد تأکید جدی قرار گرفته است و به همین دلیل دادخواهی و اظهار ستمی که بر او رفته، از موارد جواز تجسس قلمداد شده است^۲ حتی اگر جرم ارتكابی در خفا رخ داده باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «و همانا آنکه یاری جوید پس از آنکه بر او ستمی رفته است بر او هیچ مؤاخذه‌ای نیست» (شوری، ۴۱) و در جای دیگر می‌فرماید: «خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدی‌ها را اظهار کند مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد» (نساء، ۱۴۸). بنابراین در سیاست جنایی اسلام، همان‌طور که بر اصل بزه‌پوشی تأکید فراوان شده، بر اصل حمایت از بزه‌دیده و جبران تألمات روحی و خسارات مادی وی نیز تأکید بسیاری شده است و هرگاه اصل بزه‌پوشی با اصل حمایت از بزه‌دیده تزاخم کند، بنا بر قاعده، امری که فسادش بیشتر است توسط امری که فسادش کمتر است دفع می‌شود و بنابراین حرمت تجسس و ستر برداشته می‌شود.^۳ در همین راستا حاکم موظف است به طور مشروع و منطقی برای کشف حقیقت، تا آنجا که به احقاق حق شاکی خصوصی بر می‌گردد تلاش کند. این به معنای آن است که شارع نقش مؤثر بزه‌دیده در دعوای کیفری را به رسمیت می‌شناسد.^۴

۲-۳. حمایت از حقوق جامعه

از جمله صلاحیت‌های قدرت سیاسی در نظام اسلامی، پیش‌بینی تدابیر و تنظیم قواعد و مقرراتی است که با هدف صیانت از شئون حاکمیت، حفظ منافع عمومی و تنسیق روابط انسانی متناسب با تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی تدوین می‌گردد. از این قواعد که خارج از تصریح نصوص شرعی است به عنوان احکام حکومتی یا احکام

۱. سیدرضی، محمد، نهج البلاغه، قم، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق، ص. ۳۶۹.

۲. صادقی، محمدهادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، منبع پیشنهادی.

۳. احمدی موحد، اصغر، ۱۳۸۶، «صلاحیت دادرسی و دادگاه در رسیدگی به جرایم منافی عفت»، نشریه پیام آموزش معاونت آموزش قوه قضاییه، شماره ۲۸، ص. ۴؛ توجهی، عبدالعلی؛ توکل‌پور، محمدهادی، «وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تأکید بر شیوه اثبات»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲.

۴. نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی: چشم‌اندازی اسلامی، منبع پیشنهادی، ص. ۱۷۳.

سلطانی یاد می‌شود که از جمله حقوق حاکمیت است. در این موارد بزه‌پوشی و ترک تعقیب مجرمان می‌تواند موجبات تضییع حقوق عمومی را فراهم ساخته، مصالح جامعه اسلامی را زایل و پایه‌های حاکمیت را متزلزل نماید. از این رو حکومت به منظور تأمین منافع و مصالح عمومی در اتخاذ تدبیر بزه‌پوشی و یا تأکید بر تعقیب مجرم لازم است مناسبت‌ترین اقدام را برگزیند.^۱ حقوق‌دانان و مؤلفان اسلامی در کتب و تألیفات خویش به مواردی از این مصالح غالب اشاره نمودند، مانند تعقیب جرم به منظور ریشه‌کنی و قلع ماده فساد^۲ و رد و منع متخلف از زشتی‌ها.^۳ از همین رو می‌توان گفت که استثنای سوم از سیاست بزه‌پوشی حمایت از حقوق جامعه است و لذا اگر ارتکاب جرایم منافی عفت ناقض حقوق عمومی و اجتماع باشد، موجبی برای چشم‌پوشی باقی نمی‌ماند، به عبارت دیگر در این شق از استثنا، جرم یا جرایم جنسی اهداف شوم و گسترده‌ای علیه اجتماع دارد و از صرف ارتکاب توأم با نقض حقوق خصوصی پا فراتر نهاده است. به همین جهت چشم‌پوشی از آن نه تنها آثار مثبتی به همراه نخواهد داشت، بلکه موجب اشاعه فحشا خواهد شد. ضرورت تعقیب و تحقیق در این موارد به جهت خطر بزرگی است که اجتماع را تهدید می‌نماید و لذا نجات جامعه خود هدف مستقلی است که در تقابل با بزه‌پوشی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳. رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

جرایم منافی عفت معمولاً با رضایت طرفین یا اطراف جرم رخ می‌دهد و به همین جهت هم معمولاً کسی خود را متضرر از جرم نمی‌داند و نه تنها شکایتی به دادگاه ارائه نمی‌کند، بلکه اغلب نفع وی در کتمان واقعه مجرمانه است.^۴ در همین راستا ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ بیان‌گر یکی از جلوه‌های عمده سیاست بزه‌پوشی حقوق اسلامی است که عبارت است از منع تحقیق و تعقیب در جرایم منافی عفت. این امر در قوانین گذشته نیز سابقه دارد. تبصره ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ مقرر می‌داشت: «تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکه خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد» و تبصره ۳ ماده ۳ ق.ا.ق.ت.د.ع.ا ۱۳۸۱ بیان می‌نمود: «پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زنا و لواط است ... مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود ...». با وجود این به نظر

۱. صادقی، محمدهادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، منبع پیشین، ص. ۱۸۳.

۲. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، قم، دارالحکمه، ۱۳۷۰، ص. ۴۵.

۳. حسینی شیرازی، سیدمحمد، ایصال المطالب الی المکاسب، چاپ اول، تهران، منشورات الاعلمی، بی‌تا، ص. ۱۰۱.

۴. رهامی؛ محسن؛ حیدری، علی مراد، «شناخت جرایم بدون بزه‌دیده»، نشریه مدرس علوم انسانی، شماره ۳۷،

می‌رسد ماده ۱۰۲ بیان جامع و مانع‌تری از این سیاست را به نمایش گذارده است. طبق ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک ۹۲: «انجام هر گونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود».

با مقایسه مقررات قوانین گذشته و جدید آیین دادرسی کیفری در می‌یابیم که قانون‌گذار ایران منطبق بر سیاست جنایی اسلام، رویکرد بزه‌پوشی را در واکنش نسبت به جرایم منافی عفت اتخاذ کرده است؛ رویکردی که اگرچه بی‌سابقه نبوده اما نوآوری‌های آن، این رویکرد را به طور خاص در جرایم منافی عفت اصلاح و تکمیل نموده و آن را با رویکرد اسلامی همگام نموده است. نوآوری‌های مذکور در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۳-۱. اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق

تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت که غالباً با گسترش اخبار مربوط به آن همراه است حساسیت‌های عمومی را نسبت به این جرم در پی دارد. جریان تعقیب و تحقیق این جرایم بستر ساز اشاعه و ترویج جرایم منافی عفت، عادی شدن این جرایم و کاهش زشتی فحشا می‌گردد. خردانگاری بزه ناشی از احساس شیوع و فراگیری آن □ هرچند با واکنش‌های مکرر کیفری همراه باشد - زمینه تزلزل نظام ارزشی جامعه و فروپاشی ضوابطی که تکیه‌گاه روابط اجتماعی است را فراهم می‌سازد.^۱ به همین جهت این جرایم تابع قاعده‌ای خاص که عبارت است از «ممنوعیت تعقیب و تحقیق» می‌باشند. جرایم بر اساس مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ ق.م.ا به قابل گذشت و غیر قابل گذشت تقسیم می‌شود و اصل بر غیر قابل گذشت بودن است و قابل گذشت بودن نیازمند تصریح قانون‌گذار است و جرایم منافی عفت قابل گذشت محسوب نشده است. اما به نظر می‌رسد اصل غیر قابل گذشت بودن در جرایم، ناظر به غیر جرایم منافی عفت است و به بیان اصولی، اصل غیر قابل گذشت بودن، محکوم اصل ستر در این جرایم است و قاعده ستر حاکم بر اصل غیر قابل گذشت بودن در این جرایم می‌باشد. مؤید این استدلال آن است که اگرچه طبق قاعده در جرایم غیر قابل گذشت، دادستان بدون نیاز به شکایت شاکی و بر اساس اصل الزامی بودن تعقیب کیفری، در صورت اطلاع از وقوع جرم و کفایت ادله مکلف به تعقیب است؛ اما قانون‌گذار با توجه به آثار سوء اخلاقی که

۱. صادقی، محمدهادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، منبع پیشین، ص. ۱۱۶.

فرایند تعقیب، تحقیق و اثبات این جرایم زمینه‌ساز بروز و ظهور آن می‌گردند به ممنوعیت تعقیب و تحقیق در این جرایم تصریح نموده است. تبصره ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ با بیان عبارت «تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است»، ممنوعیت را محدود به تحقیق نموده و نص ماده نسبت به ممنوعیت تعقیب، ساکت بود. اگرچه به زعم برخی^۱ ممنوعیت تحقیق، موجب ممنوعیت تعقیب خواهد بود اما چنین برداشت و تفسیری از منطوق ماده بدون دلیل است. قانون‌گذار در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ صراحتاً «انجام هر گونه تعقیب و تحقیق» را در جرایم منافی عفت توسط مقامات دادسرا ممنوع اعلام کرده است. حتی به عنوان تأکید در ادامه ماده اضافه نموده است: «پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست». این تصریح و تأکید مقنن جهت جلوگیری از اشاعه آن عمل شنیع مجرمانه است که می‌تواند آثار نامطلوبی در جامعه بر جای گذارد و بدیهی است که مطرح شدن چنین مواردی در دادسرا که بالطبع ضابطان و قضات متعددی در رسیدگی و اظهارنظر آن دخالت دارند خلاف خواست و نظر قانون‌گذار است. بنابراین طبق قانون جدید علاوه بر آنکه مقام تحقیق حق تحقیق در این جرایم را ندارد، دادستان هم نمی‌تواند تعقیب کیفری را به جریان اندازد.^۲

۲-۳. استثنای اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق

بر اساس تبصره ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ اصل ممنوعیت تجسس در جرایم منافی عفت با دو استثنا روبه‌رو می‌گردید: مواردی که جرم، مشهود یا دارای شاکی خصوصی باشد. این دو استثنا در ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک ۹۲ به مواردی که «جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد» تغییر نمود. اگرچه در بادی امر به نظر می‌رسد که جرم مشهود و جرم ارتکاب یافته در مرئی و منظر علی‌رغم دو بیان مختلف، محتوا و مفهوم واحدی دارند؛ اما با توجه به ماده ۲۱ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸^۳

۱. حدادزاده نیری، محمدرضا، «تحقیق در جرایم منافی عفت»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۷، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۸.

۲. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۵.

۳. مطابق این ماده، جرم در موارد زیر مشهود محسوب می‌شود: ۱- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مأمورین یادشده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. ۲- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند و یا مجنی‌علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید. ۳- بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحی یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یادشده به متهم محرز شود. ۴- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود. ۵- در مواردی که صاحب‌خانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا نماید. ۶- وقتی متهم ولگرد باشد.

که در مقام بیان مصادیق جرایم مشهود بود، به این نتیجه می‌رسیم که منظور قانون سابق از جرم مشهود منحصر به موردی که جرمی در مرئی و منظر عمومی واقع شده باشد، نیست. بلکه مصادیق متعدد دیگری را در برمی‌گیرد که به هیچ وجه ویژگی علنی بودن را ندارند. مراد از مرئی و منظر عام در ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نیز اصطلاح «جرم مشهود» نیست. «مشهود» دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است. در معنای لغوی واژه مشهود به معنای در مرئی و منظر است.^۱ مرئی و منظر نیز ممکن است مرئی و منظر عام باشد یا مرئی و منظر خاص. ماده ۱۰۲ قسم اول را مراد نموده است که به نظر می‌آید با آموزه‌های شرعی هم‌خوانی دارد. بنابراین افرادی که با ارتکاب جرم منافی عفت در انظار عمومی در حفظ کرامت و شأن خویش بی‌مبالا باشند، تعقیب و تحقیق نسبت به آنها ممنوعیتی نخواهد داشت و بدیهی است که با انتفاء ستر، دلایل حرمت نیز منتفی می‌گردد. در حالی که تبصره ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ که عبارت جرم مشهود را به کار برده بود، معنای اصطلاحی آن - که موارد احصایی در ماده ۲۱ همان قانون است و دامنه‌ای گسترده‌تر از جرایم ارتكابی در مرئی و منظر عام دارد - را مدنظر قرار داده بود. این تفاوت در کاربرد واژگان، آثار حقوقی متفاوتی را در پی دارد؛ زیرا واژه «مشهود» اولاً دامنه استثنائات تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت را می‌گستراند و همچنین از آنجایی که قانون‌گذار اختیارات فراوانی را برای ضابطین در جرایم مشهود در نظر گرفته است، طبعاً جرایم مربوط به منافی عفت نیز مشمول این اختیارات قرار می‌گرفتند.^۲ بنابراین وقتی در ماده ۱۰۲ از عبارت جرم در مرئی و منظر استفاده شده است، اختیارات گسترده ضابطین در جرایم منافی عفت نیز تنها به همین مورد محدود می‌گردد و سایر موارد جرم مشهود منافی عفت در ذیل اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق باقی می‌ماند. در نتیجه جرم منافی عفتی که به صورت علنی واقع شود و به موجب هر یک از طرق ماده ۶۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ کشف شود صلاحیت تعقیب و تحقیق را به دنبال دارد.

استثنا دوم ممنوعیت تعقیب و تحقیق، وجود شاکی است. شاکی، شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و تعقیب مرتکب را درخواست می‌نماید.^۴ در جرایم منافی عفت، علاوه بر بزه‌دیده مستقیم جرم، ممکن است افراد دیگری متحمل

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص. ۸۹۴.

۲. معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه نشست‌های قضایی مسائل قانون مجازات اسلامی، جلد ۲، تهران،

انتشارات جاودانه، ۱۳۸۷، ص. ۸۰۸.

۳. جهات قانونی شروع به تعقیب به موجب ماده ۶۴ به شرح زیر است: الف) شکایت شاکی یا مدعی خصوصی؛

ب) اعلام و اخبار ضابطین دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن؛ پ) وقوع جرم مشهود در

برابر دادستان یا بازپرس؛ ت) اظهار و اقرار متهم؛ ث) اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر.

۴. ماده ۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲.

آسیب حیثیتی شوند. بنابراین در صورتی که مرد یا زنی به خاطر ارتباط نامشروع همسرش با شخص دیگر، طرح شکایت کند، به این دلیل که متحمل ضرر و زیان شده است می‌تواند در تعریف «شاکی» قرار گیرد. قدر متیقن اینکه غیر از شخصی که عمل منافی عفت نسبت به او واقع شده (بزه‌دیده مستقیم) افراد دیگری هستند که می‌توانند به عنوان شاکی خصوصی مطرح باشند.^۱ بنابراین با توجه به این استثنا تعقیب و تحقیق نسبت به جرم منافی عفت با شکایت شاکی آغاز می‌گردد.

ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک جدید دامنه استثنائات اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت را به «عنف» و «سازمان یافته» نیز گسترش داده است. عفت در لغت به معنی درستی و سختی، ضد رفق و مدارا است.^۲ برخی از مؤلفان، عدم رضایت بزه‌دیده را از عناصر عفت دانسته‌اند.^۳ قوانین موجود عفت را تعریف نموده‌اند. تعبير عفت که در قانون مورد اشاره قرار گرفته، در متون فقهی وجود ندارد و در نصوص وارده و عبارات فقها عناوینی چون «غصب فرج»، «مکابره» و «اکراه» به کار رفته است.^۴ با این وجود معنای عرفی عفت از معنای لغوی و مفهوم فقهی آن دور نیست و روبه قضایی هم مؤید این امر است.^۵

تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا. ۹۲ مواردی را در حکم عفت قرار داده است. تبصره مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با عفت است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است». به نظر می‌رسد مفهوم عفت در ماده ۱۰۲ تمام مصادیق مذکور را در بر می‌گیرد. بنابراین قانون‌گذار درصدد بوده است تا جرایم منافی عفتی که به عفت رخ داده اما شاکی به هر دلیلی حاضر به مطرح کردن شکایت نمی‌باشد را نیز مشمول استثنا نماید. ممکن است اشکال شود که افزودن این استثنا به معنای دخالت در حریم خصوصی بزه‌دیده‌ای است که به هر دلیلی تمایل ندارد برای تظلم‌خواهی و ترمیم حقوق از دست رفته‌اش به دستگاه قضایی مراجعه نماید. بنابراین جرم ارتكابی در محدوده حقوق‌الله باقی می‌ماند و نباید از شمول اصل بزه‌پوشی و ممنوعیت تجسس خارج گردد.

۱. حدادزاده نیری، محمدرضا، منبع پیشین، ص. ۹.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، جلد دهم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص. ۱۴۴۷۲.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، ص. ۲۶۷۴.

۴. مرحوم شیخ کلینی در کتاب الکافی بابی را ذکر کرده است به نام «باب الرجل یغتصب المرأه فرجها»، مرحوم شیخ مفید می‌فرماید: «من غصب امرأه علی نفسها و طئها مکرها لها ضربت عنقه محصنا کان أو غیر محصن».

۵. نظریات ۴۰۲/۷-۱۳۸۱/۱۲-۱۳۸۱/۳ و ۲۹۵۳/۷-۱۳۸۳/۴/۱۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه.

در پاسخ می‌توان گفت که تجاوز به عنف بعد از آنکه تعدی به حریم مجنی‌علیه است، تجاوز به کلیت جامعه است. بنابراین در صورت عدم شکایت شاکی، دادستان موظف است با حفظ حق بزه‌دیده بر ناشناخته بودن، جنبه عمومی جرم را پیگیری کند.

نکته دیگری که نسبت به این قسمت از ماده می‌توان گفت آن است که در همه جای قانون مجازات اسلامی هر جا صحبت از جرم منافی عفت به عنف است، اکراه هم مشمول همان حکم قرار گرفته است؛ اما روشن نیست چرا قانون آیین دادرسی کیفری آن را مورد غفلت قرار داده است. در پاسخ می‌توان مدعی شد که اکراه هم یکی از مصادیق عنف است و رویه قضایی نیز مؤید آن است.^۱

استثنا دیگری که ماده مذکور مقرر نموده است، ارتکاب جرم منافی عفت به صورت سازمان‌یافته است. در قوانین ما جرایم و گروه‌های سازمان‌یافته تعریف نشده‌اند. در بیان حقوق دانان جرم سازمان‌یافته عبارت از فعالیت‌های غیرقانونی و هماهنگ گروهی منسجم از اشخاص است که با تبانی با هم و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر اعمال مجرمانه شدید می‌پردازند و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده می‌کنند.^۲ مهم‌ترین ویژگی جرایم سازمان‌یافته «شدت جرم» است. جرایم مذکور ممکن است به صورت داخلی و یا فراملی ارتکاب یابد. سازمان‌ها و گروه‌های مرتکب جرایم سازمان‌یافته نیز برخوردار از ویژگی‌هایی چون غیرایدئولوژیک بودن سازمان یا گروه مجرمانه، وجود سلسله مراتب، استمرار در طول زمان، ارتکاب فساد اداری و استفاده از ارباب و خشونت هستند. بنابراین به نظر می‌رسد که کیفیت ارتکاب (به صورت سازمان‌یافته) جرم را از شکل نخستین آن در تمام ابعاد خارج ساخته و اصل تسستر در جرایم منافی عفت را تحت‌الشعاع قرار داده است. به همین جهت قانون‌گذار در این ماده جرایم منافی عفت سازمان‌یافته را در عداد مستثنیات قرار داده است. گروه‌های سازمان‌یافته به دلیل توانایی مالی، انسانی و شگردهای پیچیده برای نیل به اهداف مجرمانه خود، نظام‌های سیاسی و جامعه بین‌المللی را در معرض ناامنی و مخاطره قرار داده و آثار زیان‌بار شدیدی بر فرهنگ، اخلاق، اقتصاد و امنیت یک جامعه بر جای می‌گذارند.^۳ جرایم منافی عفت سازمان‌یافته از نظر ماهیت، شدت، انگیزه، اهداف و تشکیلات سازمانی با سایر جرایم منافی عفت متفاوت

۱. آیت‌الله مفید رئیس دیوان عالی کشور در جلسه پرونده اصراری ردیف ۸۶/۳۴ اظهار داشته است: «نباید حتماً دست و پای کسی را ببندند و سروصدایش بلند شود و با کتک کاری مرتکب عمل قبیح شوند. امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید عنف همان عدم رضاست؛ یعنی همان کراهت است.»

۲. شمس ناتری، محمد ابراهیم، «جرایم سازمان‌یافته»، مجله فقه و حقوق، شماره ۱، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۱؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جرم سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا»، مدرس علوم انسانی، شماره ۱۷، ۱۳۷۹، ص. ۳.

۳. شمس ناتری، محمد ابراهیم، منبع پیشین، صص. ۱۱۴-۱۱۲.

هستند. آثار مخرب و گسترده این نوع جرایم نسبت به اجتماع، باعث می‌گردد که بزه‌پوشی نسبت به آنها کنار گذاشته شود و نجات جامعه به عنوان یک هدف مستقل و برتر در مقابل بزه‌پوشی قرار گیرد. به علاوه در این شکل از جرایم، سیاست جنایی کشورها همواره مبتنی بر شدت و سخت‌گیری است. جرم سازمان‌یافته به عنوان شکلی از تبهکاری باید از دیگر مظاهر مجرمانه‌ای که به وسیله گروه‌هایی صورت می‌گیرد که صرفاً عملیات مجرمانه خود را سازمان‌دهی می‌کنند، متمایز گردد.^۱

۳-۳. مقام تعقیب و تحقیق در استثنائات

علی‌رغم مجوز قانون‌گذار برای امکان تعقیب و تحقیق در مواردی که جرم منافی عفت در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد، همواره اجرای اصل بزه‌پوشی مورد تأکید است؛ بنابراین در تعقیب و تحقیق موارد استثنا نیز باید به اصل، وفادار بود. در همین راستا قانون‌گذار در ماده ۱۰۲ امر تعقیب و تحقیق را به مقامات دادسرا که وظیفه تعقیب و تحقیق را در تمامی جرایم بر عهده دارند نسپرده است؛ زیرا از تبعات فاسد تعقیب و تحقیق دادسرا، ورود بسیاری از مقامات و ضابطان قضایی در امور خصوصی شهروندان است. به موجب تبصره ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸، دادسرا در جرایم منافی عفت مشهود یا دارای شاکی خصوصی، مکلف به تحقیق می‌گردد. «جرایم منافی عفت» در ماده فوق با عبارت موجود در تبصره ماده ۳ ق.آ.ق.ت.د.ع.ا ۱۳۸۱ که بیان می‌داشت: «پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زنا و لواط است ... مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود» تخصیص خورده و بنابراین از تاریخ تصویب این قانون، دادسرا هنگامی که در حیطه جرایم منافی عفت با شکایت خصوصی و یا جرم مشهود روبه‌رو می‌گردید، در صورتی که موضوع جرم، زنا و لواط بود پرونده را مستقیماً به دادگاه ارجاع و در سایر جرایم منافی عفت اقدام به تحقیق می‌نمود و همچون روال سایر پرونده‌ها، در صورت صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست پرونده را به دادگاه می‌فرستاد.^۲

اما همان‌طور که گذشت، طبق قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، دادسرا حق هیچ‌گونه ورود و اقدامی در جرایم منافی عفت ندارد.^۳ از این رو قانون‌گذار صراحتاً در

۱. تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد».
۲. بسیونی، محمدشریف؛ وتر، ادوارد، «درآمدی بر درک جرم سازمان‌یافته و مظاهر فراملی آن»، ترجمه محمد ابراهیم شمس ناتری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۴، ۱۳۸۰، ص. ۲.
۳. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، تهران، ۱۳۹۱، صص. ۱۵۸-۱۶۰.
۴. با توجه به اینکه دایر کردن مرکز فساد و فحشا موضوع ماده ۶۳۹ ق.م.ا ۱۳۷۵، متفاوت از جرائم منافی عفت مذکور در تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ است (ماده ۱۰۲ قانون دادرسی کیفری

ماده ۳۰۶ مقرر نموده است: «به جرایم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود». لذا منظور از مقام قضایی در ماده ۱۰۲ منحصر به قاضی دادگاه است.^۱ بنابراین چنانچه جرم منافی عفتی در ملأ عام رخ داده یا شاکی وجود داشته یا به صورت عنف یا سازمان یافته رخ دهد، قاضی دادگاه رأساً اقدامات لازم را در زمینه تعقیب و تحقیق به اجرا گذاشته و سپس به محاکمه اقدام می‌نماید و در غیر این صورت پرونده بایگانی خواهد شد.

منظور از رسیدگی «به طور مستقیم»، «مراجعه مستقیم» شاکی یا ارسال مستقیم گزارش وقوع جرم از سوی ضابطان به دادگاه نیست، بلکه اصولاً شاکی باید شکایت خود را به دادستان تقدیم نماید و ضابطان نیز پس از اطلاع از وقوع جرم آن را به دادستان اعلام کنند.^۲ تشخیص مصادیق طرح مستقیم پرونده در دادگاه امری تخصصی است که نباید به ضابطان و مراجعان دادگستری واگذار گردد. بنابراین دادسرا باید همه شکایات و گزارش‌ها را دریافت نموده و در صورت تشخیص انطباق اتهام با موارد فوق بدون هیچ اقدام تعقیبی یا تحقیقی، پرونده را مستقیماً به دادگاه ارسال کند.^۳

پرسشی که ممکن است به ذهن آید آن است که در صورت ارتکاب توأمان جرایم منافی عفت با جرم یا جرایم دیگر، مسئولیت تعقیب و تحقیق با چه مقامی است. به موجب تبصره ۳ ماده ۳ ق.ا.ق.ت.د.ع.ا. ۱۳۸۱ «پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زنا و لواط است ... مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود، مگر آنکه به تشخیص دادستان تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد». بنابراین تکلیف دادسرا در مواجهه با پرونده‌های زنا و لواط، ارسال مستقیم پرونده به دادگاه بود. تنها موردی که در پرونده‌های زنا و لواط دادسرا می‌توانست وارد تحقیقات مقدماتی

← (۱۳۹۲)، هر چند ممکن است دائر کردن مرکز فساد و فحشاء منجر به جرائم منافی عفت نیز گردد، مع‌الوصف با اعلام وقوع بزه مورد بحث (دائر کردن مرکز فساد و فحشاء) و متکی بودن این اعلام و اخبار به اطلاعات قابل وثوق، لازم است دستورات مقتضی در زمینه کشف قضیه، صادر و بر اساس آن، اقدامات بعدی جهت تعقیب انجام شود. (نظریه مشورتی ۷/۹۴/۴۸۴ مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۷)

۱. در تأیید این دیدگاه، نظریه مشورتی ۷/۹۴/۱۳۵۰ مورخ ۱۳۹۴/۶/۱ بیان می‌دارد: «جرایم منافی عفت در تبصره ماده ۳۰۶ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ به صراحت مشخص شده و ماده ۱۰۲ قانون مذکور نیز در مقام بیان حکم شرعی، ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت است و منظور از مقام قضایی در ماده ۱۰۲ با توجه به ماده ۳۰۶ قانون مورد بحث که مقرر داشته «به جرایم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود» و استثنایی هم به این امور قائل نشده است، این نیست که مقامات قضایی دادسرا، در این موارد مجاز به تحقیق در جرایم منافی عفت باشند و ماده ۱۰۲ قانون مذکور، مخصص ماده ۳۰۶ قانون مذکور نیست؛ لذا تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت در موارد مذکور در ماده ۱۰۲ صرفاً به عهده دادگاه است.»

۲. مواد ۴۴ و ۶۹ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲.

۳. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، ۱۳۹۴، ص. ۳۱۴.

شود در قسمت اخیر تبصره فوق بیان گردیده بود و آن موردی است که به تشخیص دادستان، تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد مثل اینکه ارتکاب زنا یا لواط توأم با جرایم دیگری نظیر آدم‌ربایی، ضرب و جرح و ... باشد که در این صورت دادستان جایز به انجام تحقیقات در جرایم منافی عفت زنا و لواط می‌گردید.^۱ پذیرش چنین حقی برای دادستان برای تشخیص موارد ضرورت تحقیق در قانون ۱۳۸۱ تابع این فرض پذیرفته شده بود که تعقیب این جرایم برخلاف تحقیق بر عهده دادسراست و لذا اگر دادستان در ضمن تعقیب این جرم، با جرم یا جرایم دیگری روبه‌رو می‌گردید، می‌توانست در صورت تشخیص ضرورت، تحقیقات را خود انجام داده و یا به بازپرس محول نماید. اما به دلیل ممنوعیت تعقیب این جرایم در قانون ۱۳۹۲ دادستان به محض روبه‌رو شدن با این جرایم بدون هیچ مداخله‌ای باید مستقیماً پرونده را به دادگاه ارسال دارد و حق ندارد در مورد تعقیب یا عدم آن تصمیم بگیرد. به عبارت دیگر قانون اجازه نداده است که به بهانه ارتکاب جرم منافی عفت همراه با جرم یا جرایم دیگر، اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق دادسرا تخصیص بخورد. پس این قاضی است که در مورد تمام جهات جرم منافی عفت تحقیق به عمل می‌آورد. البته به نظر می‌رسد قاضی این اختیار را دارد تا در صورتی که انجام تحقیق در سایر جهات، موجب افشای جرم منافی عفت نگردد، آن را به دادسرا بسپرد.

۴-۳. محدودیت‌های مقام تعقیب و تحقیق در تحصیل دلیل

قانون‌گذار در ماده ۱۰۲ صرفاً به ممنوعیت مقامات دادسرا در امر تعقیب و تحقیق و محدود نمودن استثنائات اصل ممنوعیت تجسس اکتفا نکرده و ضمن ایجاد تکلیف برای قاضی دادگاه مبنی بر تعقیب و تحقیق جرایم منافی عفتی که شاکه خصوصی داشته یا در مرئی و منظر عام یا به صورت عنف و یا سازمان‌یافته واقع شده است، محدودیت دیگری نیز مقرر نموده است که بر اساس آن قاضی دادگاه در امر تعقیب و تحقیق دارای اختیارات تام نیست. بلکه باید «تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و اوضاع و احوال مشهود انجام شود». این بیان دقیق و ظریف که در قوانین گذشته سابقه نداشته، ناظر بر آن است که قاضی حق ورود به حریم خصوصی متهم را بیش از محدوده‌ای که قانون اجازه داده است (محدوده شکایت و اوضاع و احوال مشهود) ندارد. زیرا این اقدام خروج از اصل ممنوعیت تجسس است و خروج از اصل نیازمند دلیل است که در اینجا چنین دلیلی وجود ندارد. قانون‌گذار به بیان این محدودیت به عنوان یک قانون ارشادی اکتفا نکرده، بلکه در ماده ۱۰۶ همین قانون تخلف از ماده ۱۰۲ را موجب

۱. مصلاهی، علیرضا، «جرایم در صلاحیت مستقیم دادگاه و تکلیف دادسرا»، تعالی حقوق، شماره ۷، ۱۳۸۹، ص. ۵.

محکومیت انتظامی تا درجه چهار^۱ دانسته است. وجود این ضمانت اجرا نشان از جدیت قانون‌گذار در اجتناب از تجسس و مداخله در حریم خصوصی و احترام به کرامت، شرافت و آبروی انسانی شهروندان است. ماده ۲۴۱ ق.م.ا در راستای تأکید و استوار نمودن این محدودیت قاضی با عباراتی روشن‌تر مراد مقنن از قسمت اخیر ماده ۱۰۲ را این طور بیان نموده است: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرایم منافی عفت و انکار متهم هر گونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است...» به این ترتیب به صرف انکار متهم و فقد ادله قانونی^۲ انجام هر گونه تحقیق جهت کشف و اثبات، فاقد وجاهت قانونی است. بنابراین اگر جرم منافی عفتی مجوز ورود به دستگاه عدالت کیفری را یافت امکان اثبات به هر طریقی برای آن موجود نبوده و تنها در صورتی که ادله مثبت قانونی وجود داشته باشد، حکم محکومیت صادر می‌گردد. این عبارت نشان می‌دهد که سیاست بزه‌پوشی نه تنها در مراحل تعقیب و تحقیق بلکه در جریان محاکمه هم لازم‌الرعایه است. قانون‌گذار در عبارت انتهایی ماده اخیر برای جلوگیری از سوءاستفاده متهمان از فقدان ادله شرعی و رعایت حقوق بزه‌دیده، مجوز تحقیق در امور پنهانی را در موارد معین «عنف»، «اکراه»، «آزار»، «ربایش»، «اغفال» یا «موارد در حکم عفت» صادر نموده است.

محدودیت دیگر در زمینه تحصیل دلیل مرتبط با «اقرار» است. اهمیت اقرار در امور حقوقی به حدی است که علمای حقوق آن را ملکه دلایل می‌نامند و همیشه در دعاوی به عنوان مهم‌ترین دلیل به آن استناد می‌شود.^۳ اما مبنا و اساس رویکرد قانون جدید آیین دادرسی کیفری نسبت به جرایم منافی عفت آن است که تا جایی که ممکن است سیستم عدالت کیفری وارد این محدوده نگردد. تبصره ۱ ماده ۱۰۲ در راستای تکمیل اصل بزه‌پوشی مقرر می‌دارد: «در جرایم منافی عفت هر گاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند». از عبارت «شاکی وجود نداشته باشد» برداشت می‌شود که اگر جرم

۱. مجازات‌های انتظامی قضات بر اساس قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷، ۱۳ درجه است که درجات یک تا چهار آن عبارتند از: ۱- توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی ۲- توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی ۳- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه ۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال.

۲. جرایم منافی عفت از نظام ادله قانونی تبعیت می‌نمایند. در این نوع نظام، نوع، تعداد و میزان ادله مورد لزوم برای اثبات هر جرم از قبل توسط مقنن تعیین شده است و فراروی قاضی قرار می‌گیرد. لذا قاضی به محض تحصیل ادله قانونی مکلف به صدور حکم محکومیت متهم است. در نظام مزبور، اولاً قاضی نمی‌تواند برای اثبات جرم به وسایل، ادله، شواهد و یا قرائنی جز آنچه که قانون‌گذار پیش‌بینی و مقرر کرده است، متوسل شود. ثانیاً حق ارزیابی و سنجش ادله و انطباق آنها را با ایمان و اعتقاد درونی یا قناعت وجدانی خود ندارد (جوانمرد، بهروز، فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات بهنامی، تهران، ۱۳۸۸، ص ۳۹۶).

۳. زارع شعار، حسین، «اقرار کیفری در حقوق ایران»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲، ۱۳۸۶، ص. ۱.

منافی عفتی دارای شاکی باشد، در مرئی و منظر عام رخ دهد، به صورت عنف یا سازمان یافته باشد، وجود اقرار متهم از جهات قانونی تعقیب^۱ و از دلایل مثبت خواهد بود. به هر حال هدف قانون گذار آن نیست که به هر طریقی جرایم منافی عفت کشف، رسیدگی و محاکمه شود بلکه در جایی که مصلحت اقتضا نماید، نظام عدالت کیفری در آن مداخله می نماید.

۵-۳. جایگاه سازمان های مردم نهاد در فرایند تعقیب و تحقیق

قانون آیین دادرسی کیفری در پی تحولات بزه دیده شناسی حمایتی که دغدغه آن بهتر ساختن شرایط بزه دیده است، به برخی سازمان های مردم نهاد اجازه اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را نسبت به جرایمی که در حیطه موضوع، فعالیت و اساسنامه آنها رخ می دهد، داده است. بر اساس ماده ۶۶ این سازمان ها از آن جهت که خود بزه دیده نیستند، نمی توانند به عنوان شاکی تقاضای تعقیب نمایند بلکه موقعیت اعلام کننده جرم را دارند. برخی معتقدند ماده فوق، جایگاه سازمان های مردم نهاد را از اعلام کننده صرف ارتقا بخشیده است. سازمان های مردم نهاد در پی اعلام جرم، حق شرکت در تمام مراحل دادرسی را نیز دارند. شرکت در تمام مراحل دادرسی مستلزم آن است که سازمان مربوطه حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه، حق دریافت احضارنامه برای شرکت در جلسات، حق اظهار نظر و حق ارائه دلیل در مرجع قضایی داشته باشد؛ اما حمایت سازمان های مربوطه در جرایم منافی عفت محدود به اعلام جرم و ارائه دلیل گردیده است و از حق حضور در جلسات رسیدگی محروم هستند. عدم امکان حضور در جلسات رسیدگی در جهت عدم انتشار و اشاعه جریان دادگاه، غیرعلنی بودن^۲ و در نتیجه بزه پوشی نسبت به این جرایم است. اگر جرم منافی عفت دارای بزه دیده خاص باشد (اعم از آنکه جرم مربوطه در مرئی و منظر عام، به عنف یا سازمان یافته رخ داده باشد و یا شاکی داشته باشد) ارائه دلیل از سوی سازمان حامی بزه دیده باید با کسب رضایت وی انجام شود.

۱. بندت ماده ۶۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲.
۲. اصل ۱۶۵ ق.ا و ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲.

نتیجه‌گیری

بزه‌پوشی و جلوگیری از افشای جرم، از اصول مبنایی و از سیاست‌های مورد پذیرش سیاست جنایی اسلام به‌ویژه در حیطه جرایم منافی عفت به شمار می‌رود. قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۲ با اتخاذ سیاست فوق در قالب سازوکار «ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت» در قانون آیین دادرسی کیفری تلاش نموده مانع از اشاعه فحشاء و آثار سوء آن گردد؛ زیرا شیوع اتهام در این موارد بیش از اصل اتهام مفسده‌آور است. جرم منافی عفت عبارت است از «هر گونه رفتار جسمی و فیزیکی خارج از محدوده نکاح میان دو یا چند فرد که ناشی از غریزه جنسی باشد، خواه این التذاذ جنسی برای هر دو یا برای یکی از دو طرف باشد». بنابراین جرم منافی عفت جرمی است که در بر دارنده همه این ارکان باشد. جرایم دیگری که حول محور این جرایم رخ می‌دهند از جمله قوادی، برهنه ظاهر شدن در علن، به نمایش گذاردن نوشته‌ها و تصاویر خلاف عفت و اخلاق عمومی و جرایمی از این قبیل در تعریف فوق نمی‌گنجد و فرایند رسیدگی به آن مانند سایر جرایم است. جرم منافی عفت در صورت وجود یکی از دو شرط ذیل از شمول اصل «ممنوعیت تعقیب و تحقیق» خارج می‌گردد. شرط نخست مرتبط با کیفیت ارتکاب جرم است؛ با این توضیح که هرگاه جرم منافی عفت در «مرئی و منظر عام» واقع شود یا به «عنف» یا «سازمان‌یافته» باشد، قابلیت تعقیب و تحقیق پیدا می‌کند. شرط دوم مرتبط با کیفیت کشف جرم است؛ جرم منافی عفتی که با شکایت شاکی کشف شود، مشمول مستثنیات ممنوعیت تعقیب و تحقیق می‌گردد. قانون‌گذار علی‌رغم ایجاد استثنائاتی بر اصل «ممنوعیت تعقیب و تحقیق» در جرایم منافی عفت، تلاش نموده تا حد ممکن به اصل بزه‌پوشی پایبند بماند. به همین دلیل محدودیت‌هایی را از جهت «مقام تعقیب و تحقیق» و «کیفیت تعقیب، تحقیق و رسیدگی» در فرایند رسیدگی به جرایم منافی عفت مقرر نموده است. در جهت نخست، مقامات دادسرا را از اقدام تعقیبی و تحقیقی ممنوع نموده و اعمال آن را به «قاضی دادگاه» واگذار نموده و در جهت دوم قاضی دادگاه دارای اختیارات تام نبوده بلکه باید تعقیب و تحقیق را در «محدوده شکایت» و «اوضاع و احوال مشهود» انجام دهد و در صورت فقد شاکی باید متهم را توصیه به «پوشاندن جرم و عدم اقرار» نماید. با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد قرار دادن جرم منافی عفت سازمان‌یافته در میان مستثنیات اصل تعقیب و تحقیق این جرایم، به هیچ روی نمی‌تواند خلأ قانونی مقابله با این جرایم را پر نماید، بلکه مقابله با این جرایم و سازمان‌های آنها نیازمند جرم‌انگاری مستقل، منطبق با ویژگی‌ها، اهداف، آثار و تبعات آن است و ضمانت اجرای کیفری

سنتی و آیین دادرسی موجود نمی‌تواند پاسخگوی خطر این اعمال بوده و موجبات پیشگیری از آنها را فراهم نماید. همچنین روشن است در جرایم منافی عفت با توسل به عنف، بزه‌دیده حضور دارد. افزودن استثنا عنف، موجب علنی‌سازی جرم منافی عفتی است که بزه‌دیده آن حاضر به طرح شکایت نیست و این امر دخالت در حریم خصوصی بزه‌دیده‌ای است که به هر دلیل، تمایل ندارد برای دادخواهی و ترمیم حقوق از دست رفته‌اش به دستگاه قضایی مراجعه نماید. لذا تنظیم سازوکاری برای حفظ حق بزه‌دیده مبنی بر ناشناخته ماندن و پیگیری جنبه عمومی جرم ضرورت می‌یابد. نهایتاً باید گفت از آنجا که بیشترین مصادیق جرم منافی عفت با رضایت طرفین (بدون بزه‌دیده) و در خفا رخ می‌دهد و دارای قید سازمان‌یافتگی و عنف هم نیست، قانون‌گذار این رفتارها را فاقد مصلحت تعقیب و تحقیق دانسته، از شمول اصل تستر و ممنوعیت تجسس خارج نمی‌سازد و مقامات قضایی را از تعقیب و تحقیق در آنها ممنوع می‌نماید. در نهایت آنچه محقق می‌شود بزه‌پوشی، حفظ آبرو و شخصیت شهروندان، عدم تجاوز به حریم خصوصی، عدم قبح‌زدایی و عادی‌سازی جرایم منافی عفت و پیشگیری از ارتکاب نخستین و مکرر جرایم مذکور است. از این رو تحولات و نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در هم‌گرایی و انطباق با سیاست جنایی اسلام در زمینه جرایم منافی عفت مثبت ارزیابی می‌گردد. البته این نکته را نباید فراموش نمود که اعتماد بر تعقیب بدون حذف زمینه‌های بروز و ظهور بزهکاری و از میان برداشتن شرایط تکوین جرم، تکیه بر بنیادی سخت و متزلزل خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم
- احمدی موحد، اصغر، ۱۳۸۶، «صلاحیت دادسرا و دادگاه در رسیدگی به جرایم منافی عفت»، نشریه پیام آموزش معاونت آموزش قوه قضاییه، شماره ۲۸.
- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، قم، دارالحکمه، ۱۳۷۰.
- انصاری، مسعود، روانشناسی جرایم و انحرافات جنسی، تهران، انتشارات اشراقی، ۱۳۷۱.
- بابالویی، محمود، مجموعه قانون تعزیرات در نظم حقوقی کنونی، تهران، مجد، ۱۳۹۳.
- بسیونی، محمدشریف؛ وتر، ادوارد، «درآمدی بر درک جرم سازمان یافته و مظاهر فراملی آن»، ترجمه محمد ابراهیم شمس ناتری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۴، ۱۳۸۰.
- بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین بن علی، سنن بیهقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۴۴ ق.
- توجهی، عبدالعلی؛ توکل پور، محمدهادی، «وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تأکید بر شیوه اثبات»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- جوانمرد، بهروز، فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۸.
- حبیبزاده، محمدجعفر؛ شمس ناتری، محمدابراهیم؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جرم سازمان یافته در جرم شناسی و حقوق جزا»، مدرس علوم انسانی، شماره ۱۷، ۱۳۷۹.
- حدادزاده نیری، محمدرضا، «تحقیق در جرایم منافی عفت»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۷، ۱۳۸۸.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، ایصال المطالب الی المكاسب، چاپ اول، تهران، منشورات الاعلمی، بی تا.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش های شهر دانش، تهران، ۱۳۹۱.
- _____، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های شهر دانش، ۱۳۹۳.

- _____ ، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، ۱۳۹۴.
- الدهبی، غالی، الجرایم الجنسیه، چاپ اول، مصر، مکتبه غریب، ۱۹۸۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، جلد دهم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- رزم‌ساز، بابک، روش‌های پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجد، ۱۳۹۳.
- رهامی؛ محسن؛ حیدری، علی مراد، «شناخت جرایم بدون بزه‌دیده»، نشریه مدرس علوم انسانی، شماره ۳۷، ۱۳۸۳.
- زارع شعار، حسین، «اقرار کیفری در حقوق ایران»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲، ۱۳۸۶.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، «جرایم سازمان‌یافته»، مجله فقه و حقوق، شماره ۱، ۱۳۸۳.
- صادقی، محمدهادی، «بزه‌پوشی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۸ و ۲۹، ۱۳۷۸.
- _____ ، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
- عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق.
- قدسی، سیدابراهیم؛ پورزرین، علی، «نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
- محمدی جورکویه، علی، «سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی»، حقوق اسلامی، شماره ۲۴، ۱۳۸۹.
- مصلائی، علیرضا، «جرایم در صلاحیت مستقیم دادگاه و تکلیف دادرسی»، تعالی حقوق، شماره ۷، ۱۳۸۹.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه نشست‌های قضایی مسائل قانون مجازات اسلامی، جلد ۲، تهران، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۷.

-
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
 - نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
 - نوبهار، رحیم، «اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام»، نامه مفید، شماره ۲۳، ۱۳۷۹.
 - _____، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی: چشم‌اندازی اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی